



تقدیم به روح پرفتوح دانشمند شهید دکتر محسن فخری زاده

شماره 179
پنجشنبه 20 آذر 1399

مذاکره نمی‌کنیم؟

ما دشمن تراز اولی داریم به نام آمریکا. اینکه این دشمنی از 22 بهمن 57 شروع شده یا 13 آبان 58 چندان اهمیتی ندارد. اینکه دلیل این دشمنی چیست اتفاق مهم است اما متأسفانه موضوع این نوشتار نیست! به هر دلیلی، آمریکا بعضی از عقاید و اقدامات ایران را به آمریکا خود می‌داند که لازم می‌نماید این مشکل را برطرف کند. بعد از جنگ تمثیلی آمریکا احساس کرد گزرنده نظامی روش کم‌هزینه‌ای برای دفع شر ایران نیست بنابراین روش موثرتری را امتحان کرد. روشی که البته در مدت طولانی‌تری جواب می‌داد اما برای آمریکا بی‌فرد بود؛ روش دیپلماسی تحریم. در این روش آمریکایی‌ها در نظر دارند با اعمال تحریم، ما را آنقدر خسته کنند که مجبور شویم برای کم‌کردن فشار پای مزیم مذاکره بپردازیم و با عقب‌نشینی در بعضی از بخش‌ها (پرداخت از بخشی از فشارها آزاد بشویم) رضایت بدهیم. سوال اینجاست که آیا مذاکره کردن با دشمن و دست کشیدن از مبارزه، بزدلی و عقب‌نشینی از آرمان‌های انقلابی نیست؟ پاسخ این است: لزوماً نه.

چرا مذاکره می‌کنیم؟

واضح است که هزینه‌دادن برای دستیابی به اهداف در جنگ کاری غیرمعمول نیست. در جنگ مسلحانه، سربازان زندگی خود را فدا می‌کنند که هدف عملیات که از رزنی والایی برای آن‌ها دارد تحقق پیدا کند. میدان دیپلماسی/تحریم نیز میدان جنگ است و لازمه حضور در آن قربانی کردن است. اصولاً اگر در مذاکره، معامله با عملیات جنگی، داده از ستانده کم ارزش‌تر باشد می‌توان گفت اقدام موفقیت‌آمیزی صورت گرفته است. مثلاً اگر نتایج توافقی در مذاکره بر طبق آنچه است سوی دولت مردان وعده داده شده بود حذف تمامی تحریم‌ها در مقابل محدود شدن اقدامات هسته‌ای ایران بود، می‌شد گفت مذاکره موفقیت‌آمیزی رخ داده است.

فهرست مطالب

صحنه دوست‌داستانی ما
فاطمه اشرفی - آنچه در دانشگاه نمی‌آموزیم / چرا در انجمن مستقل فعالیت کنیم؟

مشکل کجاست؟
امیرعباس جعفری - برنامه واحد سیاسی / اسامی مستقل

آنچه هستیم
محمد جواد اسلامی - دانشگاه شریف در آیین تاریخ

برجام‌نامه
حمیدرضا مشکین - در برجام چه گذشت؟

قطعه‌نامه 598 / نمونه تعامل از موضع قدرت
در طول جنگ ایران و عراق، شورای امنیت سازمان ملل چندین بار به درخواست عراق پیشنهاد آتش‌بس و مذاکره بین دو کشور متخاصم در ایران ارائه داد و این پیشنهادها تا پیش از قطعنامه 598 هر بار از سوی امام خمینی رد شد. از مهم‌ترین دفاعاتی که پیشنهاد آتش‌بس پذیرفته نشد بعد از آزادسازی خرمشهر بود که این بار بسیاری از فعالین سیاسی ایرانی نیز با آتش‌بس موافق بودند. چرا جمعیت اسلامی با علم به این موضوع در طول جنگ و حرمشهری که در دنیا به عراق این پیشنهاد را نمی‌پذیرفت؟

اولاً این درخواست‌ها همیشه بعد از یک شکست نظامی سنگین برای عراق در جبهه‌ها ارائه می‌شد. هر بار عراق از مقاومت و پیشروی نیروهای ایرانی دلواپس می‌شد درخواست صلح و آتش‌بس می‌داد تا بتواند نفس تازه کند. دوم جمهوری اسلامی تأکید داشت که شرطش برای پذیرفتن آتش‌بس متجاوز نامیده شدن و عقب‌نشینی عراق به مرزهای رسمی خودش است و تا این حقوق ما را زیر پا بگذارد ما اقدام جدی‌ای انجام نخواهیم داد. دقیقاً همین مسأله قطعنامه 598 درخواست‌های ایران نیز در قطعنامه ملاحظه شد. هر چند که این توافق از سوی امام جام زهر نامیده شد اما از نظر سیاسی ایران را در موضع قدرت قرار می‌داد.

برجام/نمونه تعامل از موضع ضعف
در خرداد 92 دولت حسن روحانی با شعار مذاکره انتخاب شد. او راه حل مشکلات کشور را - که عموماً اقتصادی هم بودند- در تعامل با دنیا می‌دید (برای توضیح بیشتر درباره چرایی تحریم های اقتصادی متن "برجام‌نامه" را در همین شماره بخوانید). مجلس نیز به این نتیجه رسید که با توجه به اوضاع جامعه و طرح پیشنهادی رئیس جمهور، فرصت مذاکره با آمریکا را از دست ندهد. تا همین نقطه این پیشنهاد یک فرق جدی با پیشنهاد قطعنامه 598 داشت و آن هم این بود که این بار مذاکره از سوی مسئولان می‌شد. در حالی که در قطعنامه 598 درخواست‌های ایران بود که این بار مذاکره کند، پیشنهاد مذاکره از سوی ما تنها به این دلیل بود احساس کردیم دیگر نمی‌توانیم فشار آمریکا را تحمل کنیم. فرق اساسی دیگری که وجود داشت این بود که برخلاف شرایط ایران و عراق در زمان قطعنامه، آمریکا در مقایسه با ایران هزینه‌ای برای این جنگ نمی‌پرداخت و تحت هیچ فشار نبود. در مذاکرات نظامی هر دو طرف برای کاهش تلفات و هزینه‌ها با هم گفت و گو می‌کنند اما ما از سر عجز و برای پرداخت باج پای میز مذاکره می‌مانیم؛ با این حال شاید اشکالی نداشت اگر با همین شرایط مذاکره می‌کردیم و آنچه می‌شد پیش نهاد، مشکلات دیگری نیز وجود داشت... اما شرایط مطابق وعده‌هایی که داده موضوع نرفته برنامه‌ها ایران بود بنابراین تنها تحریم‌هایی برداشته شدند که هدف برنامه هسته‌ای ایران وضع شده بودند و کسی کاری با تحریم‌های بانکی آمریکا نداشت؛ تحریم‌هایی که علت اصلی وضعیت اقتصادی ایران است و ما برای حل همان مسأله پای میز مذاکره نشدیم؛ زیرا آمریکا‌ها ادعا می‌کنند بقیه این افراد به دلائل دیگری مثل موشکی و منطقه‌ای تحریم‌های شورای امنیت و اتحادیه اروپا بود که با وجود تحریم نظام بانکی تقریباً اروپایی همچنان با ما کار نمی‌کردند؛ بانک‌های ما تحریم نبودند اما اروپایی‌ها همچنان از معامله غیرمستقیم با تحریم‌ها می‌ترسیدند؛ در نتیجه تقریباً هیچ تفاوتی در وضعیت تحریم بانکی و در نتیجه شرایط اقتصادی ایجاد نشد. بعد مدت کمی ایالات متحده از توافق برجام خارج شد و طرفین مذاکره از توافق اقدام موثری انجام ندادند. روسیه و چین کاری نکردند چون ضررکننده که ایران بود. به جای دفاع از حق خودشان طرف طرف را طرد می‌کردند و هر دو برابر آن‌ها می‌ایستاد، ایران هم از توافق خارج نشد چون تنها امکانی مانده به نیروی مذاکره بود که جسم بی‌جان بود و خروج از برجام تمام رول‌های حسن روحانی را برآورد می‌داد.

چرا دیگر مذاکره نمی‌کنیم؟
با این توضیحات تا حدی دلیل دلواپسی از مذاکره دوباره مشخص می‌شود. اولین چیزی که نگارنی ایجاد می‌کند این است که هویت دولت ما در مذاکره کردن است و این موضوع 2 خطر مهم در پی دارد:

اولاً تصمیم‌گیران ما (اعم از دولت/مجلس/شورای عالی امنیت ملی) ظاهراً از خراب شدن بستر مذاکره می‌هراسند. می‌ترسند اقدامی کنند که باب میل چشم آن‌ها نباشد و دیگری پای میز نیایند. همین ترس طرف مقابل را برای اقدامات تهاجمی آماده می‌کند. دشمن می‌داند حتی اگر توافق ما را زیر پا بگذارد ما با برررسی شرایط اقتصادی ایران به توافق می‌مانیم. با این حال شاید اشکالی نداشت اگر با همین شرایط مذاکره می‌کردیم و آنچه می‌شد پیش نهاد، مشکلات دیگری نیز وجود داشت... اما شرایط مطابق وعده‌هایی که داده موضوع نرفته برنامه‌ها ایران بود بنابراین تنها تحریم‌هایی برداشته شدند که هدف برنامه هسته‌ای ایران وضع شده بودند و کسی کاری با تحریم‌های بانکی آمریکا نداشت؛ تحریم‌هایی که علت اصلی وضعیت اقتصادی ایران است و ما برای حل همان مسأله پای میز مذاکره نشدیم؛ زیرا آمریکا‌ها ادعا می‌کنند بقیه این افراد به دلائل دیگری مثل موشکی و منطقه‌ای تحریم‌های شورای امنیت و اتحادیه اروپا بود که با وجود تحریم نظام بانکی تقریباً اروپایی همچنان با ما کار نمی‌کردند؛ بانک‌های ما تحریم نبودند اما اروپایی‌ها همچنان از معامله غیرمستقیم با تحریم‌ها می‌ترسیدند؛ در نتیجه تقریباً هیچ تفاوتی در وضعیت تحریم بانکی و در نتیجه شرایط اقتصادی ایجاد نشد. بعد مدت کمی ایالات متحده از توافق اقدام موثری انجام ندادند. روسیه و چین کاری نکردند چون ضررکننده که ایران بود. به جای دفاع از حق خودشان طرف طرف را طرد می‌کردند و هر دو برابر آن‌ها می‌ایستاد، ایران هم از توافق خارج نشد چون تنها امکانی مانده به نیروی مذاکره بود که جسم بی‌جان بود و خروج از برجام تمام رول‌های حسن روحانی را برآورد می‌داد.

مشکل کجاست؟
به عنوان یک دانشجوی مهندسی کم و بیش واقفیم که برای اجرای یک پروژه یا طرح صنعتی در عملکرد بهینه یک ماشین؛ چه به چند عامل اصلی توجه می‌کنیم:

- 1) منابع؛ چه به منظور تامین چاه مواد و ملزومات اولیه
- 2) نیروی انسانی؛ متخصص و کلان، چه تکنسین و کارگر ساده
- 3) میزان نیاز و با وابستگی جامعه

و بازار هدف نسبت به خروجی سیستم
4) توان مدیریت و پیشبرد عملیات
(و سایر عواملی جزئی که شاید بتوان خارج از این چارچوب متصور شد)

اگر بخواهیم به مقوله اقتصاد و صنعت کشور به مثابه یک سیستم به پروژه نگاه کنیم و مطابق پاراگراف بالا اجزا و عوامل مختلف را از دل آن بیرون بکشیم، به مشورت زیر می‌رسیم:

به لحاظ منابع، تکرار مکررات است اگر بخواهیم پیرو منابع و ذخایر طبیعی کشور چه به لحاظ انرژی (با ظرفیت کم نظیر نفت، گاز، انرژی هسته‌ای و...)، چه جغرافیایی کشورمان به جز اقلیم استوایی که ظرفیت تنوع و کمکت بالای کشاورزی را ایجاد می‌کند)، چه معادن (سهم فراتر کشور از معادن مختلف نسبت به جمعیت و مساحت) و... مطالبی را غافل کنیم. ناظر به بحث نیروی انسانی نیز خیل کثیر فارغ‌التحصیلان و کارگران بیکار و متخصصین فراری داده شده (از همین شریف خودمان)، گویای همه چیز است. میزان نیاز و وابستگی ملت دردمند ایران به این مقوله فراتر از عنوان آن است.

مشکل، میرهن است؛ مورد چهارم، یعنی مدیریت و پیشبرد اقتصاد به مثابه یک عملیات.

مشخصاً مصداق این مورد در فضای کلان اقتصادی و صنعتی کشور به دو عامل برمی‌گردد:

یک، سیاست‌گذاری‌های اشتباه و یا ناهماهنگ و دو، عملکرد ضعیف در اجرای سیاست‌های صحت (چه از نظر مقدار و محتوا، چه از نظر رویه تصویب). البته لازم به ذکر است که مبحث ایرادات ساختاری یا فردی نیز در چارچوب ذکر شده می‌گنجد.

متولی اصلی سیاست‌گذاری در کشور، در کنار سیاست‌های اتخاذی دولت در بدنه خود، مشخصاً مجلس شورای اسلامی است. اشکالات وارده به مجلس از این توان در صنعت ذاتی قانون و عدم تطابق قانون با ظرفیت و شرایط قوه مجریه خلاصه نمود. در واقع اشکال دوم را می‌توان این‌گونه شرح داد که قوانینی که طی روند قانون‌گذاری برای الزام دولت به انجام عملیات مربوط به تصویب رسیده‌اند، به علت ضعف ضمانت اجرایی ناشی از عدم هماهنگی دولت و مجلس سرانجام محقق و موثری نخواهند داشت. اگر بخواهیم تا حدی ایرادات ذاتی و ساختاری سیاست اشتباه کرد جانبه مجلس و دولت عبور کنیم و به لایحه دوم بحث بپردازیم، کم نیستند قوانینی که با عملیات مستردک دولت و مجلس های مختلف به تصویب رسیده و حتی با وجود تضاد عملی و جاری گهگاه، به تأیید رسیده و در مقام عمل و اجرا رها شده‌اند.

شاید مهم‌ترین برنامه و مجموعه قوانین موجود این‌چنینی که با نگاه میان مدت (و نه کوتاه مدت) مدون شده باشد، برنامه ششم توسعه باشد. برای نمونه توجه شما را به یکی از مواد آن جلب می‌کنم:

" ماده -29- دولت متکلف است طی سال اول اجرای قانون برنامه نسبت به راه‌اندازی سامانه ثبت حقوق و مزایا اقدام کند و امکان جمعیت کلیه پرداخت‌ها به مقامات، رؤسا، مدیران کلیه دستگاههای اجرایی شامل قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران است، از وزارتخانه ها، ... ، بنیادها و نهادهای انقلاب اسلامی، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان قانون اساسی، بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند، ... ، وزارت جهاد کشاورزی، شرکت ملی نفت ایران، ... ، سازمان صدا و سیما و نهادهای فرهنگی و فرهنگی و شرکتهای تابعه آنها، ستاد اجرایی و مراکزهای سازندگی و اشخاص حقوقی وابسته به آنها را فراهم نماید. به نحوی که میزان ناخالص پرداختی به هر یک از افراد فوق مشخص شود و امکان دسترسی برای نهادهای نظارتی و عموم مردم فراهم شود."

این ماده واضحاً دولت، نهادهای ذیل رهبری و وزارتخانه‌ها را ملزم به ایجاد شفافیت اداری و مالی می‌کند، که به جز استثنائیهایی محدود، در هیچ کجای دولت و بدنه کابینه اجرایی نشده است. بی‌شمار از این دسته مواد و قوانین در برنامه ششم و ناظر به حوزه‌های مختلف اقتصادی، صنعتی، فناوری، خانواده و... موجود و قابل مشاهده است.

ما اسامی، و در واحد سیاسی انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه شریف، قصد داریم به طور ویژه به این دست قوانین و ناظر به فضای اقتصادی کشور، با محوریت برنامه ششم توسعه بپردازیم. از این پس و در این بخش از نشریه صدف شماره به شماره به یکی از حوزه‌های مربوطه پرداخته و خروجی آن را به سماع و نظر شما خواهیم رساند. ضمن استقبال از ارسال هرگونه پیشنهاد و انتقاد، دعوت می‌کنیم همراه ما باشید...

راستی تا یادمان نرفته نشریه صدف همکار می‌پذیرد. از صفحه‌آرا و طراح جلد بگیر تا نویسنده و ویرستار. آنگاه دوست داشتید کمک کنید یا نظر و انتقاد و اینا داشتید، با امدین کانال مستقل شریف صحبت کنید. خوشحال می‌شیم باماتون آشنا بشیم.
<https://t.me/mostaqahelsharif>

سردبیر: حمیدرضا مشکین
مدیر مسئول: صالح سلطانی
همکاران این شماره: فاطمه اشرفی - محمد جواد اسلامی - امیرعباس جعفری

